

جلسه ۷: تثنیه ۱۳-۱۵

دکتر سینتیا پارکر

من دکتر سینتیا پارکر هستم و در مورد کتاب تثنیه تدریس می‌کنم. این جلسه ۷، تثنیه ۱۳ تا ۱۵ است.

بررسی و مقدمه

در سخنرانی قبلی، درباره تثنیه ۱۲ صحبت کردیم. کمی از تاریخ دانش پژوهی را پوشش دادیم. خب، مردم چگونه اسفار پنجگانه را مطالعه کرده‌اند و چه تعداد از این نوآوری‌ها از مطالعه تثنیه ۱۲ حاصل شده است؟ اما ما همچنین به سراغ برخی از تکنیک‌های ممکن برای ایجاد یک مکان منتخب - یک مکان منحصر به فرد که مردم برای عبادت به آنجا می‌آیند - رفتیم.

ما در مورد اهمیت ایجاد یک ملیت صحبت کردیم. این واقعیت که ما در تلاش برای ایجاد وحدت فراگیر بین همه بنی اسرائیل هستیم. بنابراین، ما قصد داریم این موضوع را که چگونه یک ملت را می‌سازید؟ چگونه مردم را منسجم می‌کنید، ادامه دهیم؟ و ما این کار را با ادامه بررسی قوانین انجام خواهیم داد. خب جریان این قوانین چیست؟ آنها چگونه این قوانین را توضیح می‌دهند و چگونه در مورد این مردم در این سرزمین واقعی اعمال می‌شوند؟ بنابراین، چند مفهوم وجود دارد که باید هنگام شروع به پرداختن به تثنیه ۱۳ تا ۱۵ در مورد آنها فکر کنیم. و در واقع، ما این مفاهیم را به برخی از فصل‌های دیگر نیز خواهیم کشاند.

ساختن هویت ملی: «شما» مفرد / «شما» جمع

بنابراین، اول از همه، می‌خواهیم به مسئولیت اخلاقی و معنوی افراد و همچنین جامعه نگاهی بیندازیم. بنابراین، همانطور که اشاره کردیم، حتی در زبانی که تثنیه استفاده می‌کند، "شما" به عنوان فرد مفرد وجود دارد، و سپس "شما" به عنوان بدن جمعی فرد، و جامعه مردم وجود دارد. بنابراین، جامعه به عنوان یک واحد منسجم است، همانطور که شما به عنوان یک فرد یکی هستید. و بنابراین، در تثنیه، وقتی در مورد مسئولیت‌های اخلاقی مردم صحبت می‌کنیم، هم فرد و هم جامعه مطرح هستند. و بنابراین، خواهیم دید که چگونه این دو بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند.

از سفر تا رسیدن - دریافت لنگ به عنوان هدیه

ما همچنین به زمانی که مردم برای اولین بار وارد این سرزمین شدند، نگاه می‌کنیم. آنها دیگر به سمت چیزی سفر نخواهند کرد. بنابراین قبلاً، همانطور که تورات را تا تثئیه می‌خواندیم و حتی در چند فصل اول تثئیه نیز آن را دیده‌ایم، مشتاقانه منتظر سفری به سمت، حرکتی سازنده به سمت این سرزمینی بوده‌ایم که خدا گفته است که قرار است به قوم خود بدهد. اما اکنون، همانطور که با قانون درگیر می‌شویم، می‌بینیم که اینها اقداماتی برای زمانی هستند که آنها رسیده‌اند. و وقتی آنها رسیده‌اند، وظیفه دیگر این نیست که آیا می‌توانیم با موفقیت به آنجا سفر کنیم، بلکه آیا می‌توانیم با موفقیت از این هدیه‌ای که به ما داده شده است مراقبت کنیم؟ بنابراین، این تغییر به مسئولیت دریافت یک هدیه تبدیل می‌شود. بنابراین، بله، این هدیه‌ای است که آزادانه داده می‌شود، اما مستلزم و مستلزم آن است که افراد و جامعه در آن سرمایه‌گذاری کنند.

برادران و تعلق خاطر

بنابراین، یکی دیگر از مواردی که خواهیم دید این است که چگونه کتاب تثئیه بنی‌اسرائیل را برادر می‌نامد. همه اینها به تلاش برای ایجاد انسجام در میان مردم برمی‌گردد. و ما این ایده را خواهیم دید که به ویژه در فصل ۱۵، وقتی به تثئیه ۱۵ می‌رسیم، مطرح می‌شود. اما این ایده برادری بیشتر از هر یک از نام‌های قبایل یا حتی شناسایی این هویت‌های قبیله‌ای استفاده می‌شود. این یک برادری منسجم‌تر است، صرف نظر از اینکه از کدام قبیله هستید.

همچنین متوجه خواهیم شد که تثئیه مطالب زیادی در مورد تعلق خاطر بیان می‌کند. بنابراین آنها این سرزمین را به عنوان هدیه دریافت می‌کنند. اما چیزی در مورد ریشه دواندن در مکان وجود دارد و این امر مستلزم مقدار مشخصی سرمایه‌گذاری و رفتار هدفمند است. و سپس مردم نه تنها به عنوان یک جامعه به یکدیگر تعلق دارند، بلکه به سرزمین نیز تعلق دارند.

تصرف و سکونت در زمین

بنابراین، این مفهوم تعلق، و حتی می‌توانیم بگوییم که زمین متعلق به بنی‌اسرائیل است. این دو فعل «مختلف را برای ما به ارمان می‌آورد، دو فعل عبری متفاوت. اولی «□□□□□» به معنای «تملک کردن است. این مانند حق قانونی کسی برای مالکیت چیزی است. اغلب مربوط به پدری است که ارثی را برای پسرش به ارث می‌گذارد تا آن را تصاحب کند. بنابراین، این حق قانونی مالکیت است.

و در تثئیه، در مورد چگونگی اعطای حق مالکیت زمین توسط خداوند به بنی‌اسرائیل صحبت می‌شود. اما همچنین در مورد چگونگی الزام بنی‌اسرائیل به سکونت، □□□□، و سکونت در سرزمینی با انواع مختلف مالکیت یا تعلق صحبت می‌کند. بنابراین، وقتی ساکن می‌شوید، یک حس پیشگیرانه وجود دارد که آنها

برای سکونت در این سرزمین تلاش می‌کنند. این ادامه زندگی خوب برای ایجاد یک وجود انسانی کامل است. این به آینده‌ای دور دست نگاه می‌کند. بنابراین، این نوع سکونت خوب. بنابراین، ما باید مالکیت قانونی داشته باشیم، اما می‌توانید مکانی را در اختیار داشته باشید و در آن به خوبی ساکن نشوید.

تثنيه بسیار نگران این است که وقتی بنی‌اسرائیل برای تصرف زمین وارد می‌شوند، مفهوم معکوس آن سلب مالکیت از گروه دیگری از مردم است، اینکه بنی‌اسرائیل وارد شوند و زمین را تصرف کنند. این کافی نیست. آنها همچنین باید به گونه‌ای ساکن شوند که یک زندگی اجتماعی بسیار انسانی، زیبا و کامل را توسعه دهند.

تثنيه ۱۳ - برخورد با پیامبران دروغین

خب، بیایید به تثنيه ۱۳ بپردازیم. خب، این فصل کمی مشکل‌ساز است. وقتی آن را می‌خوانید، کاملاً ناخوشایند به نظر می‌رسد. خب، ما این فصل را داریم که به سه بخش مختلف از مردم تقسیم شده است. بنابراین، ابتدا، این فصل را خطاب به پیامبران، به ویژه پیامبران دروغین، خواهیم یافت. و سپس به برادران و دوستان یعنی افراد صمیمی که با آنها از نزدیک آشنا هستید، خواهد پرداخت. و سپس به افرادی می‌پردازد که به شهرها می‌روند و کل شهرها را متقاعد می‌کنند. پس بیایید نگاهی به این بیندازیم و شروع به فکر کردن در مورد معنای احتمالی این فصل کنیم.

بنابراین، تثنيه ۱۳. من از آیه ۱ شروع به خواندن می‌کنم. «اگر پیامبری یا بیننده خواب در میان شما برخیزد و آیت یا معجزه‌ای به شما نشان دهد، و آن آیت یا معجزه که درباره آن به شما گفته بود، به حقیقت ببیوندد و بگوید: «بیایید خدایان دیگری را که نمی‌شناسید، پیروی کنیم و آنها را عبادت کنیم.» به سخنان آن پیامبر یا بیننده خواب گوش ندهید. زیرا خداوند، خدای شما، شما را می‌آزمايد تا ببیند که آیا خداوند، خدای خود را با تمام قلب و تمام روح خود دوست دارید یا خیر. از خداوند، خدای خود پیروی کنید و از او بترسید. احکام او را نگه دارید، به صدای او گوش دهید، او را عبادت کنید و به او بچسبید»

و تا اینجا، این خوب به نظر می‌رسد، درست است؟ ما پیامبران دروغین نمی‌خواهیم. و ما هشدار بسیار شدیدی را که شنیده‌ایم، می‌شنویم. اکنون بارها تکرار شده است. از خدایان دیگر پیروی نکنید؛ فقط یک خدا وجود دارد که باید از او پیروی کنید.

اما وقتی به آیه ۵ می‌رسیم، این است: «وقتی پیامبری دروغین در میان خود یافتید، این کاری است که باید انجام دهید.» آیه پنجم. «اما آن پیامبر یا آن خواب‌بیننده باید کشته شود، زیرا او علیه خداوند، خدای شما که شما را از سرزمین مصر بیرون آورد و از خانه بردگی آزاد کرد، شوریده است تا شما را از راهی که خداوند، خدای شما، به شما امر فرموده است، گمراه کند. پس، شر را از میان خود پاک خواهید کرد».

و این زمانی است که ما کمی خجالت می‌کشیم و می‌گوییم ای مرگ. بسیار خب. خب، شاید، یک پیامبر دروغین در میان شما باشد، کمی صبر کنید، و ببینیم آیا الگوی دیگری وجود دارد که در طول این فصل شروع به توسعه کند یا خیر.

برخورد با یکی از اعضای خانواده/دوست صمیمی، شما را از خداوند دور می‌کند

خب، حالا ادامه می‌دهیم و به آیه ششم می‌رسیم: «اگر برادرت یا پسر مادرت، یا پسر یا دخترت یا همسرت که عزیزش می‌داری، یا دوستت که مثل جان خودت است.» پس اساساً، فهرست کردن افرادی که با آنها از نزدیک آشنا هستید، بهترین دوستان، یکی از اعضای خانواده. اگر یکی از این افراد شما را از خداوند دور کند، چه اتفاقی می‌افتد؟ بنابراین، اگر کسی از آن افرادی که با آنها ارتباط نزدیکی دارید، مخفیانه شما را وسوسه کند و بگوید: «بباید برویم و خدایان دیگری را که نه شما و نه پدران آنها را می‌شناسید، از خدایان مردمی که در اطراف شما هستند، چه نزدیک شما و چه دور از شما، از این سر زمین تا آن سر زمین، عبادت کنیم، به او تسلیم نشوید و به او گوش ندهید. و چشم شما بر او رحم نکند و او را امان ندهید و پنهان نکنید، بلکه مطمئناً او را خواهید کشت. دست شما ابتدا علیه او خواهد بود تا او را بکشد و پس از آن دست مردم. او را سنگسار کنید تا بمیرد، زیرا او سعی کرده است شما را از خداوند، خدای شما که شما را از سرزمین مصر و از خانه بردگی بیرون آورد، منحرف کند. و آنگاه تمام اسرائیل خواهند شنید و خواهند ترسید و دیگر هرگز چنین کار زشتی را».

خب، این یکی کمی سخت‌تر از پیامبر دروغین است، چون اینها افرادی هستند که ارتباط نزدیکی با خانواده شما دارند. و می‌گویند افرادی که مخفیانه پیش شما می‌آیند و سعی می‌کنند شما را از خود دور کنند. این هم به همان اندازه بد است. دقیقاً همان مجازاتی را که یک پیامبر دروغین طلب می‌کند، طلب می‌کند. بنابراین، آن شخص را از میان خودتان می‌کشید.

ساکنان شهر، دیگران را به پیروی از خدایان دیگر هدایت می‌کنند

و ما ادامه می‌دهیم، و این را کمی بیشتر در بخش آخر فصل ۱۳ بسط می‌دهیم. «اگر در یکی از شهرهایتان که خداوند، خدایتان، برای سکونت به شما می‌دهد، بشنوید که کسی می‌گوید مردانی بی‌ارزش از میان

شما بیرون رفته و ساکنان شهر را گمراه کرده‌اند و گفته‌اند: 'بیایید برویم و خدایان دیگری را که شما نمی‌شناسید عبادت کنیم' پس تحقیق و تفحص کنید و کاملاً تحقیق کنید. اگر این خبر درست باشد و ثابت شود که این عمل زشت در میان شما انجام شده است، مطمئناً ساکنان آن شهر را با دم شمشیر بکشید و آن و هر چه در آن است و «گاو‌هایش را با دم شمشیر کاملاً نابود کنید»

قرار دادن مجازات در چارچوب آن

اوه، بنابراین اکنون ما شهرهایی داریم که به همراه تمام کالاهای شهر و حیوانات شهر در حال نابودی هستند. بنابراین، همه اینها ممکن است واقعاً خشن به نظر برسد، اما بیایید این را در چارچوب کاری که تثنیه انجام می‌دهد قرار دهیم. زیرا وقتی به سوابق تاریخی نگاه می‌کنیم، و وقتی به یافته‌های باستان‌شناسی نگاه می‌کنیم، و وقتی به اطراف نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که واقعاً فکر نمی‌کنیم که بنی‌اسرائیل هرگز این نوع قوانین را اجرا کرده باشند که در آن واقعاً فرزندان خود را می‌کشند، زیرا می‌دانیم که خدا مخالف کشتن کودکان است، و فکر نمی‌کنیم که آنها ساکنان شهرهای خود را کشته باشند. پس اینجا در تثنیه چه اتفاقی می‌افتد؟

اگر تثنیه در تلاش است تا یک ملت، یک گروه قومی، جایی که می‌توانید به آنجا بروید و آنها می‌توانند به هم تعلق داشته باشند، ایجاد کند، چه؟ آنها با هم زندگی می‌کنند. و اگر تثنیه به آینده نگاه می‌کند، این ایده که مکانی که آنها به آنجا می‌روند این فرصت را دارد که مانند عدن باشد، به خوبی عدن باشد، از طریحی که خدا حتی در ابتدای خلقت تعیین کرده بود، پیروی کند. اگر هدف این است، پس هر چیزی، چه یک پیامبر دروغین باشد، چه کسی که با شما ارتباط نزدیکی دارد، یا کسی که ذهن کل شهر را تغییر داده است که باید از میان شما ریشه کن شود.

بنابراین، با استفاده از زبانی بسیار تند، نکته کاملاً روشن می‌شود که در همه چیز، خدا می‌خواهد قومش او را و فقط او را دوست داشته باشند. بنابراین، خداوند، خدای ما، خداوند واحد است، جایی که خداوند، تنها و یگانه پروردگار است.

بنابراین فصل ۱۳، اگر چه ما را کمی در جایمان به لرزه می‌اندازد، می‌گوید، چه یک نفر سعی در اغوای شهر داشته باشد، چه کسی از اعضای صمیمی خانواده شما باشد، چه کسی باشد که کل شهر را متقاعد به ترک شما کرده باشد، به محض اینکه از خدا دور شوید و شروع به پیروی از خدایان دیگر کنید، باید آن را از میان خود ریشه کن کنید زیرا این چیزی است که در نظر خدا نفرت‌انگیز است.

حالا می‌توان گفت، و بسیاری از مردم در مورد اینکه چرا مجازات اینقدر شدید است صحبت می‌کنند. خب، ممکن است ما پاسخ دقیقی برای این سوال نداشته باشیم، اگر چه برخی تصور کرده‌اند که این ممکن است با

این ایده که بنی اسرائیل پسران خدا نامیده می‌شوند، مرتبط باشد یا با آن همراه باشد. بنابراین، اگر اسرائیل پسر خدا باشد، اگر اسرائیل از خدا روی برگرداند، آن مجازات مرگ است. و بنابراین فصل ۱۳، حتی در مورد پسر خانواده خودتان صحبت می‌کند، چرا باید پسر خانواده خودتان را بکشید؟ خب، پسر خانواده شما نماینده شما به عنوان ملت در رابطه شما با خدا است. بنابراین این ممکن است بخشی از پاسخ باشد.

آنچه در فصل ۱۳ به دنبال آن هستیم این است که بنی اسرائیل در تلاشند تا جامعه‌ای را حفظ کنند که با روایتی مشترک متحد شده است. آنها انگیزه دارند که بر اساس هویت یکسانی با قوم خدا عمل کنند.

تثنیه ۱۴: تثبیت هویت به عنوان قوم خدا

بنابراین، با تکیه بر این، چگونه سعی می‌کنید هویت خود را به عنوان قوم خدا تثبیت کنید و آن را به خاطر بسپارید؟ به فصل ۱۴ می‌رویم.

بنابراین، در فصل ۱۴، در همان ابتدا، ما با چگونگی هویت آنها آشنا می‌شویم. در واقع، ما دو نوع جمله یا عبارت مختلف برای توضیح هویت آنها داریم. بنابراین، در تثنیه ۱:۱۴، آمده است: «شما پسران خداوند خدای خود هستید.» بنابراین، دوباره، شما پسر خداوند هستید و بر اساس آن هویت و همچنین عبارت موجود در آیه ۲، «شما قوم مقدسی برای خداوند، خدای خود هستید. و خداوند شما را از میان تمام مردمان روی زمین برگزیده است تا قومی برای او باشید.» بنابراین، شما پسر خدا هستید و برگزیده شده‌اید. بنابراین، این هویتی است که در ابتدای فصل ۱۴ مشخص شده است، که انگیزه قوانین فصل ۱۴ را ایجاد می‌کند.

قوانین و هویت غذایی

حالا، ما وارد یک فهرست کامل از «بنابراین به این شکل بخورید» می‌شویم. بنابراین، این فهرست دقیقاً مشابه فهرست غذاهای پاک و ناپاک که در لایان به ما داده شده است، نیست. همه حیوانات یکسان در هیچ یک از این دو فهرست فهرست نشده‌اند، اما گروه‌بندی‌های اساسی یکسانی از حیوانات را دریافت می‌کنیم. بنابراین، حیواناتی که در هوا پرواز می‌کنند، حیواناتی که روی زمین زندگی می‌کنند و حیوانات یا ماهی‌هایی که در دریا هستند.

بنابراین، ما همین نوع گروه‌بندی را اینجا در تثنیه ۱۴ می‌بینیم. جالب اینجاست که این فصل، اول از همه، با این ایده که شما نباید در آیه ۳ بخورید، شکل گرفته است: «هیچ چیز مکروهی را نخورید.» خب، این کلمه دقیقاً همان کلمه عبری است که در ۱۴:۱۳ یافت می‌شود، زمانی که به آنها می‌گوید از هر کار زشت یا مکروه‌ای که در میان شما انجام شده است، خلاص شوند. بنابراین، ما شاهد تداوم ایده‌ها هستیم. بنابراین، در

حالی که در فصل ۱۳، مردم و رفتار بودند؛ در فصل ۱۴، حتی غذایی را که می‌خورید بر اساس آنچه مکروه است یا نیست، انتخاب کنید.

غذای کوشر به عنوان هویتی متحدکننده

بنابراین، غذا واقعاً یک نماد قدرتمند است. بنابراین، نحوه غذا خوردن شما می‌تواند شما را از هم جدا کند. همانطور که شما عمل انتخاب، انتخاب عمدی، چه چیزی را بخورید و چه چیزی را رد کنید، هویت خود را به عنوان بخشی از یک گروه مردمی تثبیت می‌کنید. و خود را در میان گروهی از مردم قرار می‌دهید که تصمیمات مشابهی می‌گیرند. و به خصوص اگر این خلوص را انجام می‌دهید، چه چیزی خالص است و چه نوع نامگذاری ناخالصی است؟ این برای شما بارها و بارها تأیید می‌کند که شما یک قوم خالص هستید زیرا خدا شما را برگزیده است. شما برای او جدا شده‌اید و این حتی در نحوه انتخاب غذا خوردن شما به عنوان یک فرد در خانواده‌تان و همچنین به عنوان یک جامعه نیز نشان داده می‌شود. بنابراین، مهم نیست که به کدام شهر اسرائیلی می‌روید، مردم طبق قوانین کوشر غذا می‌خورند.

غذای غیر اسرائیلی

حالا، یکی از چیزهایی که واقعاً برایم جالب است این است که وقتی به دنبال فهرست تمام حیوانات هستیم، هنوز در چارچوب این ایده کار می‌کنیم که چه چیزی کوشر است و چه چیزی کوشر نیست و با غذای غیر کوشر چه باید کرد.

این توضیح بیشتر را در آیه ۲۱ داریم: «چیزی را که خود مرده باشد، نخورید. می‌توانید آن را به غریبی که در شهر شماست بدهید تا آن را بخورد، یا می‌توانید آن را به یک بیگانه بفروشید، زیرا شما قوم مقدسی برای یهوه خدای خود هستید. بزغاله را در شیر مادرش نیزید»

خب، اگر بخش آخر آن آیه را کنار بگذاریم و بگوییم، این یک قانون عجیب است، اگر بیرون بروید و حیوانی را ببینید که خودش مرده است، شما برای شکار یا کشتن یا ذبح آن بیرون نرفته‌اید. با آن گوشت چه می‌کنید؟ دوباره به خودمان یادآوری می‌کنیم که این یک گروه از مردم هستند که برای امرار معاش زندگی می‌کنند. بنابراین، آنها از زمین امرار معاش می‌کنند. بنابراین، هر گوشتی که برای خوردن در دسترس باشد کالای ارزشمندی است. آیا آن را دور می‌اندازید؟ می‌گذارید در مزرعه بپوسد؟ با این گوشت چه می‌کنید؟

بیگانه مقیم (□□) و خارجی

و سپس به بنی اسرائیل اجازه داده شود که آن را به بیگانگان بدهند اما به خارجی‌ها ندهند. به نظر می‌رسد این یک قانون تصادفی است. این به چه معناست؟ در اینجا است که کمی مطالعه کلمات برای ما مفید است. بنابراین، در بخش اول آیه، ایده این است که می‌توانید آن گوشت را به □□□□□ □□□□□ . بنابراین اگر گاهی به عنوان "بیگانه" و گاهی "بیگانه" ترجمه می‌شود. اینها افرادی هستند که لزوماً از نظر قومی بنی اسرائیل نیستند، اما خارجی هستند □ با این تفاوت که دائماً در میان شما زندگی می‌کنند

حالا ممکن است آنها در میان شما زندگی کنند، اما به احتمال زیاد، آنها صاحب زمین نیستند، و اگر شما صاحب زمین نباشید، پس نمی‌توانید به رده‌های بالای جامعه ارتقا پیدا کنید. شما زمین کشاورزی خودتان را نخواهید داشت که بتوانید از آن استفاده کنید. اگر شما یک □□□□□ □□□□□ ، اگر شما یک خارجی هستید که در میان بنی اسرائیل زندگی می‌کنید، به احتمال زیاد فقیر و منزوی هستید. بنابراین، شما جزو بخشی از آسیب‌پذیران آن جامعه هستید.

این با کلمه دیگری که در همان آیه استفاده شده متفاوت است. بنابراین، □□□□□ ، این کلمه به معنای بیگانه، مهاجر» است. این کلمه می‌تواند ترجمه‌های انگلیسی مختلفی داشته باشد. این کسی است که به طور دائم در کشور دیگری زندگی می‌کند. بنابراین، یک مصری که ممکن است کاروانی داشته باشد و از آنجا عبور کند زیرا همه مسیرهای تجاری از سرزمین شما می‌گذرد. بنابراین، آن شخص احتمالاً شبکه اجتماعی خود را در خانه دارد. آنها ممکن است، به دلیل اینکه در حال سفر و عبور هستند، کمی بیشتر از مزیت اقتصادی برخوردار باشند، یا ممکن است منابعی در دسترس داشته باشند.

بنابراین، تشبیه، با توجه به اینکه یک □□□□□ در میان شما وجود دارد، شما یک غریبه دارید که به احتمال زیاد مانند یتیم و بیوه زنان آسیب‌پذیر جامعه خواهد بود. بنابراین، اگر حیوانی را پیدا کردید که مرده است، آن را به غریبه بدهید و اجازه دهید آن را بخورد. اجازه دهید از آن گوشت بهره‌مند شود. یا می‌توانید آن را بفروشید، و می‌توانید آن را به کسی که مدام از آنجا عبور می‌کند بفروشید.

ضیافت خدا با قومش

بنابراین، بخشش یا فروش بیشتر به وضعیت اقتصادی فردی که از آن هدیه بهره‌مند می‌شود، بستگی دارد.

انتهای فصل ۱۴ این نکته‌ی واقعاً عالی را ارائه می‌دهد: «اگر به مکانی که خدا برگزیده است می‌روید و در فاصله‌ی دوری زندگی می‌کنید.» اساساً آوردن یک حیوان کوچک برای آوردن چند کیبوتر یا بز با خود بسیار دشوار و غیر عملی است. بنابراین، تثنیه می‌گوید، فقط آن پول را در جیب خود بگذارید و سپس در مقابل مکانی که خدا برگزیده است بایستید، هر آنچه را که می‌خواهید قربانی کنید خریداری کنید، «و سپس در آنجا در حضور خداوند، خدای خود، غذا بخورید و با او جشن بگیرید.» این یکی از این آیات عالی یا مجموعه‌ای از آیات است که به ما نشان می‌دهد که خدا چقدر می‌خواهد با قوم خود جشن بگیرد. بله، سهمیه‌هایی وجود دارد، بنابراین انواع خاصی از قربانی‌ها وجود دارد که قرار است به دلایل مختلف بیاورید، اما سهمیه‌ی شما ممکن است از راه دور باشد. فقط سکه‌هایی در جیب خود داشته باشید، به آنجا بروید، چیزی را که شما را خوشحال می‌کند خریداری کنید و سپس در میان خود با خدا جشن بگیرید.

بنابراین، دوباره، مجموعه‌ای از آیات در فصل ۱۴ که به بنی‌اسرائیل کمک می‌کند تا در مورد هویت خود به عنوان قوم خدا فکر کنند و اینکه چگونه خود را به عنوان قوم خدا به یاد بیاورند و در مورد خود فکر کنند.

تثنیه ۱۵ برادری، سخاوت و پارسایی

وقتی به فصل ۱۵ می‌رسیم، بیشتر و بیشتر با واژگانی مواجه می‌شویم که این برادری را در میان مردم تداعی می‌کند. بنابراین در فصل ۱۵، ما تکرار کلمه برادر را داریم و این ایده در سراسر فصل ۱۵ وجود دارد. این فراخوانی است برای اینکه چگونه عمل می‌کنید؟ چگونه زندگی می‌کنید؟ چگونه در این سرزمینی که خدا به شما می‌دهد، با هم احساس تعلق می‌کنید؟ و بخشی از فراخوان برای عمل، سخاوتمند بودن است. و چرا باید سخاوتمند باشید؟ فصل ۱۵ بارها و بارها تکرار می‌شود. شما باید سخاوتمند باشید زیرا خدا با شما سخاوتمند است.

زیرا وقتی به گذشته خود نگاه می‌کنی، خداوند کسی است که با تو سخاوتمند بوده است، بنابراین رفتار کن، از خدا تقلید کن، از شخصیت خدا تقلید کن.

بنابراین، در فصل ۱۵، این فراخوان را نیز داریم که پارسایی چیزی بیش از گناه نکردن است، که برای ما آسان است که فکر کنیم تنها کاری که باید انجام دهیم این است که همه این کارهای وحشتناک را انجام ندهیم. فصل ۱۵ تثنیه می‌گوید که اینطور نیست. پارسایی آن تقلید از شخصیت خداست، که به معنای انجام همه این کارهای زیبای دیگری است که خدا انجام داده است.

بخشودگی بدهی‌ها هر ۷ سال

بنابراین، بیایید به فصل ۱۵ نگاهی بیندازیم زیرا در دعوت به اقدام از بنی اسرائیل بسیار جالب است. بنابراین، با این جمله شروع می‌شود: «در پایان هر هفت سال، باید بدهی‌ها را ببخشید. این روش بخشش است هر طلبکاری آنچه را که به همسایه خود قرض داده است، آزاد می‌کند. او نباید آن را مانند همسایه و برادرش» مطالبه کند، زیرا بخشش خداوند اعلام شده است

، با این حال، «هیچ فقیری در میان شما نخواهد بود، زیرا خداوند شما و سرزمینی را که خداوند خدایتان، به عنوان میراثی برای تصرف به شما می‌دهد، برکت خواهد داد. ای کاش به صدای خداوند، خدایتان گوش می‌دادید و از تمام احکامی که امروز به شما می‌دهم، با دقت پیروی می‌کردید. زیرا خداوند، خدایتان، شما را همانطور که به شما وعده داده است، برکت خواهد داد و شما به بسیاری از ملت‌ها قرض خواهید داد، اما شما» قرض نخواهید گرفت. و شما بر بسیاری از ملت‌ها حکومت خواهید کرد، اما آنها بر شما حکومت نخواهند کرد

خب، تا اینجا که خوب بوده. این فراخوان برای اطمینان از این است که شما سیستمی بی‌عدالتی را اجرا نمی‌کنید که فقرا را فقیر نگه دارد. بنابراین، دوباره، برای افرادی که با داشتن زمین امرار معاش می‌کنند توانایی حفظ میراث خود در طول نسل‌ها، راهی است که خانواده شما می‌تواند زنده بماند. بنابراین، اگر سیستمی دارید که مردم را به بردگی می‌کشد، اگر آنها مجبور به فروش زمین خود به شما می‌شوند، و اکنون آنها بندگان قراردادی شما هستند. این ایده را که خدا به طور مساوی به قوم خود داده است، از بین برده است. و بنابراین یک هشدار وجود دارد که سیستم‌های پولی ایجاد نکنید که مردم را برای همیشه و همیشه به بندگی قراردادی مجبور کند.

چرا این کار را می‌کنی؟ چرا باید انگیزه انجام این کار را داشته باشی؟ چون خدا کسی است که تو را برکت می‌دهد، یادت هست؟ یادت باشد، در فصل ۱۱، خدا کسی است که چشمانش به این سرزمین است، و اوست که باران‌های اولیه و ثانویه را می‌دهد. پس سعی کن فروتن بمانی و از این واقعیت آگاه باشی که این از قبل هدیه خداست، و از آنجایی که هدیه خدا به قومش است، آنها کسانی هستند که آن هدیه را مدیریت می‌کنند و آن را به خوبی مدیریت می‌کنند.

مراقبت از برادر فقیر

بنابراین، ما این ایده را داریم که در حالت ایده‌آل «هیچ فقیری در میان شما نخواهد بود». زیرا خدا هر آنچه را که نیاز دارید به شما خواهد داد و هیچ کس فقیر نخواهد بود. و سپس تنبیه می‌گوید، مگر اینکه فقیری وجود داشته باشد، و بنابراین وقتی فقیری وجود دارد، اینگونه عمل کنید

بنابراین، در آیه ۷، «اگر فقیری نزد تو باشد، یکی از برادرانت.» بنابراین، باز هم، این یک ایده برادری است. «در هر یک از شهرهای سرزمینت که خداوند، خدایت، به تو می‌دهد، دلت را سخت مکن و دستت را از برادر فقیرت نبند»

در واقع قرار است در مورد نگرش ما یا نگرشی که بنی اسرائیل باید نسبت به فقرا داشته باشند صحبت کنیم. چیزی که می‌خواهم به آن گوش دهید، اعضای بدن هستند که در اینجا ذکر شده‌اند. این اعضای بدن معنای واقعاً خاصی دارند. پس توجه کنید

قطعات بدن

بنابراین، آیه ۷ را دوباره می‌خوانم: «اگر فقیری نزد توست، یکی از برادرانت در هر یک از شهرهای سرزمینت که خداوند، خدای تو، به تو می‌دهد، دلت را سخت مکن، و دستت را از برادر فقیرت نگیر، بلکه دستت را آزادانه به سوی او بگشا و با سخاوت به اندازه نیازش در هر آنچه که کم دارد به او قرض بده. مراقب باش که در دلت هیچ فکر پلیدی نباشد که سال هفتم، سال بخشش، نزدیک است، و چشمت به برادر فقیرت بد باشد و چیزی به او ندهی. آنگاه او ممکن است از تو به درگاه خداوند فریاد زند، و این برای تو گناه خواهد بود. با سخاوت به او ببخش، و وقتی به او می‌دهی دلت غمگین شود، زیرا به خاطر این کار، خداوند، خداوند، خدای تو تو را در تمام کارها و تمام کارهایت برکت خواهد داد. زیرا فقیر هرگز در سرزمین تو نخواهد بود. بنابراین، به «تو فرمان می‌دهم که دستت را آزادانه به سوی برادرت، به سوی نیازمندان و فقرای سرزمینت بگشا

خب، کدام قسمت‌های بدن را بارها و بارها شنیدید؟ یکی از رایج‌ترین قسمت‌ها دست است. دستت را باز کن، درست است؟ و ما در مورد ایده علامت‌گذاری مکان‌های آستانه‌ای صحبت کردیم و در مورد اهمیت علامت‌گذاری این کلمات روی دستتان صحبت کردیم زیرا دست شما تعامل شما با دیگران است. بنابراین، تشنه به فقرا می‌گوید، دست خود را نبندید

و بعد ما قلب را هم داریم، بنابراین قلب در ادراک شما، ارزیابی فکری شما از افراد، بنابراین قلب اگر چه ما قلب را جایگاه احساسات می‌دانیم، اما جایگاه عقل و نحوه نگاه شما در درک دیگران است

بنابراین، این آیات می‌گویند، قلب، دست، دست، قلب، و سپس چشم. دوباره به یاد داشته باشید که چشم ارزیابی شما از افراد اطراف شماست. پس مراقب باشید که آن را نبندید یا چشم خود را نبندید، یا نسبت به آن کور نباشید یا خیلی سخت‌گیرانه ارزیابی نکنید. بلکه در عوض، باز کنید و آزادانه ببخشید، مطمئن شوید که قلبتان باز است، چشمانتان باز است و دستتان دراز است. و چرا این کار را می‌کنید؟ او برادر شماست. او یکی

از شماست در سرزمینتان، و چون خداست که شما را از بردگی نجات داده است. و بنابراین اگر اعمال خدا کاری انجام داده است، شما باید از اعمال خدا تقلید کنید و همان کار را انجام دهید.

ما همچنین این ایده را داریم که در آیه ۱۲ آمده است: «اگر از خویشاوندان شما، یک مرد یا زن عبری به شما فروخته شود، شش سال به شما خدمت خواهد کرد، اما در سال هفتم، او را آزاد خواهید کرد. وقتی او را آزاد کردید، او را دست خالی نفرستید.» به عبارت دیگر، به آنها حقوق خوبی به عنوان پاداش پایان خدمت بدهید آنها در تمام این سالها به صورت رایگان کار کرده‌اند و بدهی خود را به شما پرداخت کرده‌اند، اما وقتی می‌روند، مطمئن شوید که به گونه‌ای می‌روند که به آنها اجازه ندهد برده شخص دیگری باشند، بلکه به آنها فرصت سرمایه‌گذاری و خرید سرزمین مادری خود یا تهیه سنگ آسیاب مورد نیازشان را بدهد تا بتوانند زندگی ارزشمندی داشته باشند.

خدمتگزار همیشگی

در آیه ۱۴، «از گلهات، از خرمناگهات، و از خمره شرابت، به او سخاوتمندانه عطا کن. به او بده همانطور که خداوند، خدای تو، تو را برکت داده است. به یاد داشته باش که در سرزمین مصر برده بودی و خداوند، خدای تو، تو را آزاد کرد. بنابراین، امروز به تو فرمان می‌دهم. اگر او به تو بگوید: «از نزد تو بیرون نمی‌روم»، زیرا تو و خانواده‌ات را دوست دارد، زیرا با تو خوب رفتار می‌کند. پس در فشی بردار، آن را از گوشش به داخل در فرو کن، و او برای همیشه بنده خواهد بود. همچنین، باید با کنیز خود نیز همین کار را بکنی.» بنابراین، ایده این است که اختیار را به بنده واگذار کنی، نه به تو به عنوان ارباب، که آنها را کنترل کنی. یا نکنی.

اخلاق اجتماعی در اسرائیل

بنابراین، در این آیات و فصل ۱۵، نگاهی اجمالی به اخلاق اجتماعی که از قوم بنی‌اسرائیل خواسته شده است، می‌اندازیم. و باز هم، صدای طبل تثنیه را می‌شنویم که خداوند به قوم خود قوانین و احکام می‌دهد. این احکام شامل احکامی است که مربوط به نحوه تعامل با او و نحوه پرستش او در یک مکان مشخص است. اما همچنین احکامی هستند که چون خدا، خدایی است که هست، با هموعان خود به این شکل تعامل کنید. عدالت آنها همچنین به اعمالی بستگی دارد که آنها انتخاب می‌کنند تا مانند خدا باشند.

پس این انگیزه برای همه این سخاوت از کجا می‌آید؟ انگیزه عمل کردن مانند خدا، بخشیدن آزادانه برای بخشیدن بدهی‌ها از کجا می‌آید؟ این انگیزه از کجا می‌آید؟ از خود خدا می‌آید زیرا آن افراد دریافت‌کننده خدایی بسیار مهربان، دلسوز و بخشنده بوده‌اند و در عوض، آنها نیز باید مانند خدا عمل کنند.

من دکنر سینتیا پارکر هستم و در مورد کتاب تثنیه تدریس می‌کنم. این جلسه ۷، تثنیه ۱۳ تا ۱۵ است